

# پایگاه‌ها و تاسیسات مهم نظامی در جهان

«درآینه ی ارقام و حقایق»

پژوهش (صبح)



مصارفات نظامی آمریکا تقریباً معادل بودجه ی اجمالی این ۸ کشور : چین، روسیه، عربستان، فرانسه، انگلیس، هند و آلمان بر روی هم بوده با اینکه اینها خود در راس لیست بزرگترین هزینه کنندگان اعتبارات نظامی در جهان بشمار می آیند، از ۹ / ۱۱، هزینه نظامی آمریکا بالغ بر سه تریلیون دلار محاسبه شد . که عملیات جنگ مستقیم و عملیات پشتیبانی ازبازسازی افغانستان و عراق از ۹ / ۱۱ باعث شد تا مالیات دهندگان آمریکائی مبلغ ۱ . ۶ تریلیون دالراضافی، پرداخت کنند. با این تریلیونها ی که دربی جنگ افروزی پرداخت می شود، شرکت ها ی انگلی هم وجود دارند که بدنبال سودجویی از ماجرای جنگ افروزی ها هستند . و شرکت باج گیر شماره یک در این عرصه ”شرکت لوکهد مارتن“، است که از این رهگذر فروش اسلحه را تا سقف ۳۶میلیارد دالرسالانه بدست آورده است. و بر همین پایه جای تعجب نیست که شرکت لوکهد مارتن سالانه بیش از چهارده ملیون دلار برای اینکه مردم آمریکا تصمیم به خرید سلاح بگیرند و یا با قانون جمع آوری سلاح مخالفت کنند هزینه می کند، و بمعنی دیگر مدیر اجرائی این شرکت بیش از یازده ملیون دلار، براساس گزارش ۲۰۱۵ . خود صرف بیش پرداخت تشویق خریدن سلاح کرده است. و اما سودجویی شماردو جنگ شرکت بوینگ، که سالانه سی یک میلیارد دلار آمریکا سلاح می فروشد. و بوینگ بیش از شانزده ملیون دلار رشوه برای فشار بر تصمیم سازان هزینه می کند. و باقیمانده لیست دهگانه شرکت های سود جو از جنگ عبارتند از - موسسات BAE، جنرال دینامکس، رایتیون،

EADS، ون میکائیک، L-3 ارتباطات مخابراتی، یونایتد تکنولوجیز. و اینها نه تنها ادوات جنگی را به

دولت آمریکا بلکه سالانه بیست شش ملیار د دالر اسلحه به کشورهای خارجی می فروشند.

آمریکا در حال حاضر ۷۰۰ تا ۸۰۰ پایگاه زمینی، دریایی، هوایی و جاسوسی در خارج از آمریکا دارد. بطور مشخص ۷۳۷ پایگاه در ۱۳۰ کشور خارجی قرار دارند که تعدادی از آنها اردوگاه های موقت هستند. تعداد مراکز و سوق و اداره اردوی آمریکا در خاک آن کشور به ۶۰۰۰ می رسد. هم اکنون تعداد یک میلیون و ۱۴۰ هزار نظامی آمریکایی در این پایگاهها مستقر هستند. از این تعداد ۴۰۰ هزار نفر سرباز نیروی زمینی، ۳۱۰ هزار نفر نیروی دریایی، ۱۳۰ هزار نفر تفنگدار دریایی و ۳۰۰ هزار نفر جزء نیروی هوایی هستند که در این پایگاهها فعالیت دارند.

هم اکنون تعداد ۱۲۰ هزار نظامی آمریکایی در کشورهای اروپایی، ۲۰۰ هزار در خاورمیانه، ۹۰ هزار نفر سرباز در خاور دور و بقیه در سایر کشورهای جهان و بخصوص در آفریقا مستقر هستند. و تعداد ۳۲۵ هزار نظامی آمریکا هم اکنون در خارج از آمریکا بسر می برند، که از آن میان می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱۱۶ هزار نظامی در اروپا

۹۷ هزار نظامی در آسیا غیر از خاورمیانه

۴۰ هزار نظامی در کوریای جنوبی

۴۰ هزار نظامی در جاپان

۶ هزار نظامی خاورمیانه که ۳۴۳۲ نفر در قطر ۱۴۹۶ در بحرین

۱۰۰۰ نظامی در آسیای میانه

۸۰۰ نظامی در آفریقا

۷۰۰ نظامی در گوانتانامو

۴۱۳ نظامی در هیندوراس

۱۴۷ نظامی در کانادا

۴۹۱ نظامی در دیو گو گارسیا (اقیانوس هند)

۲۰۰ نظامی در استرالیا

۱۹۶ نظامی در سنگاپور

۱۰۰ نفر در فلپین

۱۱۳ نظامی در تایلند

۶۰۰ هزار نفر در دریا ها

۱۹۰۰ نظامی در جیبوتی

۲۶ مرکز در آلمان

۸ مرکز در انگلستان

۸ مرکز در ایتالیا

۹ مرکز در جاپانو.

فرماندهی اروپا- اشتوتگارتك منطقه ای در حدود سیزده میلیون مایل مربع را در هشتاد و نه کشور از ناروی تا بالتیک مدیترانه بخشی از خاورمیانه تا کیپ گود هوپ در آفریقای جنوبی را تحت پوشش هوایی دریایی و زمینی دارد.

مرکز آموزشی اردوی هفتم و مرکز یکصد جزو تاهای پشتیبانی در شهر Grafenwoehr آلمان. مرکز تمرین در آب و هوای استوایی در شهر Fort Clayton پانامه از ۱۹۶۲ تا ۴. مرکز نیروی دریایی در اروپا و گوام که صد میلیون مایل مربع را در برمی گیرد و شامل ۲۰۰ کشتی و ۲۵۰ هزار دریانورد است

مرکز هوایی نیروی دریایی در Keflavik, Iceland

مقر پشتیبانی دریایی در Naples, Italy ,

مقر دریایی در اسپانیا تنگه جبل الطارق Rota, Spain

پایگاه عملیاتی نیروی دریایی در جاپان Sasebo, Japan این پایگاه مقر هفتم دریایی با شصت کشتی ۳۵۰ جنگنده و شصت هزار پرسونل است.

پایگاه هوایی Sigonella Italy ایستگاه سیگونلا ویژه عملیات در مدیترانه است. این پایگاه مرکز استقرار ۳۱۰۰ نظامی و ۸۰۰ غیر نظامی است که بیشتر به یگان هوایی شانزدهم و کشتی های جنگی سی و یک اختصاص دارد.

پایگاه هوایی توزلا در بوسنی Tuzla Air Base, Bosnia-Herzegovina

پایگاه هوایی Incirlik در جنوب ترکیه مختص جزو تاهام سی و نهم رزمی هوایی است

پایگاه هوایی Kadena Air Base at Okinawa در جاپان

پایگاه هوایی Misawa Air Base در جاپان جزیره Honsyu مرکز قطعات سی و پنجم رزمی

پایگاه هوایی Yokota Air Force Base جاپان در ۲۸ مایلی توکیو مقر قطعات ترانسپورتی ۳۷۴

پایگاه هوایی USMC Air Station Iwakuni در ۴۵ مایلی هیروشیما مرکز قطعات هوایی یک

نیروی دریایی

پایگاه هوایی Kunsan Air Base در کوریای جنوبی ۱۵ مایلی سنول مقر قطعات هشتم رزمی نیروی

هوایی

پایگاه هوایی Osan Air Base کوریای جنوبی قطعات ۵۱ رزمی هوایی و جزو تام هفت هوایی

پایگاه هوایی Ramstein Air Base در آلمان قطعات ترانسپورتهای هوایی هشتم و ششم

پایگاه هوایی Taszar Air Base مجارستان وابسته به قطعات ۴۰۶ ام

پایگاه هوایی در بگرام افغانستان

پایگاهها، سوق و اداره و مراکز نظامی آمریکا در عراق.

آمریکا رسماً در عراق پایگاه ندارد. پایگاه به مرکز نظامی ثابتی گفته می‌شود که بر اساس امضای

قرارداد مقر با کشور صاحب خاک برای مدت طولانی مشخصی به امضا می‌رسد اینگونه پایگاهها

معمولاً برای مدتی بیشتر از ۵۰ سال اجاره می‌شوند و ظرفیت‌های آنها از ۳۰ هزار نفر به بالا است.

اما آمریکا بطور رسمی در عراق ۵۵ مرکز مهم نظامی دارد که تعدادی از آنها به شرح ذیل است:

جزو تامهای "بلد" یا اناکوندا در ۶۸ مایلی بغداد در مساحتی در حدود ۱۵ مایل مربع بیشتر به فعالیتهای

هوایی مربوط می‌شود و در آن ۱۳۰ هواپیما و ۱۲۰ هلیکوپتر نیز مستقر است.

الطلیل - ۱۴ مایلی ناصریه مساحت ۲۰ مایل مربع

الاسد - ۱۲۰ مایلی بغداد تعداد ۱۷ هزار نظامی

القیاره - در ۵۰ مایلی جنوب شرق موصل

گمپ و یکتوری - نزدیک میدان هوای بغداد مساحت ۱۴۰ مایل مربع و ظرفیت ۲۰ هزار سرباز

مرکز مارینز - نزدیک میدان هوای موصل واقع است.

جزو تام کرکوک

جزو تام اربیل که هر کدام ۱۴ هزار نظامی را در بر می‌گیرند.

آمریکا چند سال اخیر شدیداً تلاش کرد تا پایگاهی را در یکی از کشورهای آفریقایی دایر نماید مغرب-

الجزایر - موریتانی - مالی - چاد - زامبیا، اوگاندا و کنیا کاندیدهای مطرح این پایگاه بودند اما آمریکا

نتوانست هیچ کشور مهمی را به این امر راضی نماید. مرکز فرماندهی نیروهای آمریکا برای آفریقا به

اختصار آفریکام (Africom) نام دارد و فعلاً مقر این مرکز بطور موقت در اشتوتگارت آلمان قرار

دارد. و قرار است که موافقتنامه این مقر با کشور جیبوتی در شاخ آفریقا نهایی شود. وزیر خارجه

جیبوتی محمود علی یوسف نیاز اقتصادی و امنیتی را عامل موافقت جیبوتی با پیشنهاد آمریکا عنوان نموده است. پیشتر مرکز فرماندهی نیروهای آمریکا در خاورمیانه و آسیای مرکزی (Centcom) و مرکز فرماندهی منطقه اوقیانوس آرام (Pacom) به طور مشترک مسئولیت قاره آفریقا را برعهده داشتند. آمریکا حدود ۱۰ درصد نفت مصرفی خود را از کشورهای آفریقایی مانند نیجریه وارد می کند و همچنین نگران افزایش نفوذ چین در آفریقا است. آمریکا همچنین نگران رشد تروریسم در کشورهای بی ثبات آفریقایی مانند سومالی است. پنتاگون می گوید حداقل یک سوم از حدود ۴۰۰ عضو مرکز فرماندهی جدید، دیپلمات ها و کارشناسان کمک های اقتصادی خواهند بود.

ناظران نظرات متفاوتی درباره تأسیس آفریکام دارند. برخی معتقدند که تأسیس این مرکز فرصتی برای توجه بیشتر و موثرتر آمریکا به قاره آفریقا را بوجود آورده است. اگرچه تا کنون هیچ کشور آفریقایی میزبانی مقرر مرکز فرماندهی جدید رابه طورنهایی پذیرفته است اما آمریکا در بسیاری از کشورهای آفریقایی مستشاران نظامی و مراکز یا اردوگاه نظامی دارد از جمله آنها می توان به پایگاه موقت انتبه در اوگاندا و مرکز تان تان در مراکش و مراکزی در امارت متحده عربی و یمن اشاره نمود که بطور موقت به عنوان مسیر ترانزیت و آموزش مورد بهره برداری واقع می شوند اما در مورد انتبه این مرکز موقت که پانزده سال قبل فقط برای امداد رسانی به جنوب سودان دایر شده بود تا کنون در آنجا به عنوان مرکز ردیابی و جاسوسی در همه منطقه دریاچه های بزرگ بکار می رود.

۱۱ سپتامبر، سالروز کودتای آمریکایی سال ۱۹۷۳ بر علیه داکتر سالوادور آلنده، رئیس جمهور منتخب مردم شیلی است. این روز مصادف با واقعه انفجار برج های سازمان تجارت جهانی در نیویارک نیز هست، که اغلب تلاش ها بر این است که از اهمیت واقعه اول کاسته، بر اهمیت دومی بیافزایند.

گرچه در ایالات متحده آمریکا تلاش رسانه های تجاری بر این است که ذکری از ۱۱ سپتامبر « اصلی » بعمل نیاید و چنین روز سیاهی را به فراموشی بسپارند، اما در نقاط دیگر، خارج از آمریکا، ملل تحت ستم در آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا چنین روزهایی را در حافظه تاریخی خود می سپارند و آنها را فراموش نخواهند کرد. جهت مروری کوتاه، تنها به برخی از کودتاها و دخالت های نظامی امپریالیسم آمریکا، قبل از ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ و یا بعد از آن، اشاره ای تیتروار می کنیم:

- کودتای ۱۹۵۳ بر علیه دکتر مصدق نخست وزیر منتخب مردم ایران .
- در جولای ۱۹۵۴ دولت مردمی «جیکوب آربنز» در گواتمالا توسط آمریکا سرنگون شد.
- در سال ۱۹۵۶ آمریکا در بحران کانال سوئز، مداخله کرد.
- در جولای سال ۱۹۵۸، نیروی دریایی اردوی آمریکا لبنان را به اشغال خود در آورد.

- در سال ۱۹۵۹، امریکا به پانامه تجاوز نظامی کرد.
- در سال ۱۹۶۰، ایالات متحده در جنگ های داخلی لائوس مداخله نمود و تا سال ۱۹۶۳ در لائوس حضور نظامی داشت.
- در اواخر سال ۱۹۶۰، امریکا با فرستادن ۲۰ هزار سرباز، قسمت هایی از جمهوری دومینیکن را اشغال کرد که تا سال ۱۹۶۵ ادامه داشت.
- در سال ۱۹۶۰ امریکا جنگ ویتنام را شروع کرد. این جنگ طولانی ترین و پر هزینه ترین جنگ امریکا بود که تا سال ۱۹۷۵ بطول انجامید.
- کودتا بر علیه داکتر پاتریس لومومبا مبارز ضد استعماری کنگو در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰ توسط استعمارگران بلژیکی، با همکاری «سی آی ای» صورت گرفت.
- در سال ۱۹۶۴، امریکا با حمله مجدد به پانامه این کشور را اشغال کرد.
- در آگوست ۱۹۶۴، ایالات متحده به ویتنام شمالی حمله کرد و آنجا را اشغال نمود.
- در سال ۱۹۶۵، امریکا با مداخله در اندونزی، در این کشور کودتا کرد و احمد سوکارنو را از حکومت ساقط نمود، به جای او دیکتاتوری بنام سوهارتو را جایگزین کرد.
- کمک های مالی- نظامی آمریکا به اسرائیلی ها در طی جنگهای اعراب و اسرائیل، مابین سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳.
- در سال ۱۹۶۷، «سی آی ای» با مداخله سیاسی در امور یونان، در به روی کار آوردن حکومت سرهنگان در این کشور کمک ارزنده ای نمود.
- در سال ۱۹۶۹، نیکسون ارتش امریکا را به کامبوج فرستاد.
- در سال ۱۹۷۱، امریکا از کودتای بولیوی حمایت و آنرا رهبری کرد.
- در ۱۱ سپتامبر سال ۱۹۷۳ دولت منتخب و مردمی سالوادور آلنده در شیلی، با کودتای نظامی که توسط سازمان سیا طراحی شده بود، سرنگون شد. در این کودتا داکتر آلنده کشته و بیش از ۳۰،۰۰۰ نفر در خشونت های بعدی کشته و یا مفقود شدند.
- در سال ۱۹۷۳، امریکا با اجرای کودتای نظامی در اروگوئه، دولت این کشور را سرنگون کرد.
- در سال ۱۹۷۴، با مداخله مستقیم سازمان سیا، امریکا علیه اسقف ماکاریوس در قبرس کودتا و وی را سرنگون کرد.
- در سال ۱۹۷۶، امریکا با ارسال کمک به فرانسویان، آنان را برای سرکوب کردن مردم شابا در کشور زئیر کمک نمودند.

-در سال ۱۹۸۰، «سی آی ای» به نظامیان کوریای جنوبی جهت کودتای نظامی آنان کمک نمود.

-در سپتامبر ۱۹۸۰ نیز آمریکا، کودتای نظامی در ترکیه را رهبری کرد.

- در سال ۱۹۸۱، در زمان رونالد ریگن، با تحریکات آمریکا، ارتش عراق به ایران حمله کرد و جنگ ۸ ساله میان دو کشور در گرفت.

- در سال ۱۹۸۱، «سی آی ای» بهمراهی ارتش آمریکا، در حمایت از دولت دست نشانده خود در ال سالوادور به مقابله با انقلابیون پرداختند. این جنگ تا سال ۱۹۹۲ ادامه داشت.

- در سال ۱۹۸۱، «سی آی ای» با دادن کمک مالی و نظامی به کنترها، از گروههای مسلح و مخالف دولت ساندینیست نیکار آگوه، از نیروهای ضد انقلابی کنترها بشدت حمایت کردند که این حمایت ۹ سال بطول انجامید.

- در سپتامبر سال ۱۹۸۲ و در پی ترور بشیر جمایل رئیس جمهور دست نشانده آمریکا در لبنان، نیرو های آمریکایی وارد لبنان شدند تا هم از منافع آمریکا دفاع کنند و هم از نیروی اشغالگران اسرائیلی به رهبری آریل شارون دفاع و پشتیبانی شود. در همین سال بیروت به اشغال نیروهای آمریکا در آمد و نیروهای سازمان آزادی بخش فلسطین از بیروت اخراج شدند.

- در اکتبر ۱۹۸۳ ارتش آمریکا، گرانادا را به جهت روی کار آمدن دولت چپ گرا در آن کشور، و البته به بهانه نجات چند دانشجوی آمریکایی اشغال کردند. در صورتی که دانشجویان بعدها گفتند که به کمکی احتیاج نداشتند. علت این حمله جلوگیری از قدرت یافتن حکومت طرفدار شوروی و کوبا در گرانادا بود. بر لیست کودتاها و دخالت های نظامی آمریکا در کشورهای جهان سوم، می توان بسیاری دیگر از کمک های مالی و نظامی به دیکتاتوری های خشن جهان، برای استحکام وضعیتشان در مقابل جنبش های مردمی را نیز اضافه نمود.

هنگامیکه «سالوادور آلنده» نامزد حزب سوسیالیست شیلی و «ادوارد فری»، نامزد حزب دموکرات مسیحی این کشور در انتخابات ۱۹۶۴ شیلی رودر رو قرار گرفتند، طبیعی بود که آمریکا بدلیل منافع سرشار حیاتی که در شیلی داشت، به جانبداری از «فری» بپردازد.

از این رو سازمان اطلاعاتی آمریکا، «سی. آی. ای» CIA، سریعاً دست بکار شده و فعالیت های زیادی را بر علیه آلنده انجام داد. از این رهگذر «فری» هزینه های انتخاباتی خود را تماماً از «سی آی ای» دریافت نمود، تا اینکه موفق شد، در این دوره مقام ریاست جمهوری را نصیب خود سازد. در انتخابات ۱۹۷۰، «سی آی ای» با شیوه های تبلیغاتی از طریق جراید داخلی و بین المللی، مبارزه بر علیه کاندیداتوری داکتر آلنده را با شدت و حدت پیش می برد. با این حال آلنده در این انتخابات بیشترین آرا را

نسبت بدیگر نامزدهای انتخاباتی بدست آورد، اما چون حدنصاب کافی نداشت، بناچار بر طبق قوانین انتخاباتی این کشور، کار انتخاب شدنش به مجلس این کشور واگذار شد. بدیهیست که «سی آی ای» بار دیگر با تلاش فراوان و با تکیه بر مطبوعات شیلی، قصد ممانعت از انتخاب آئنده را داشتند. در این مقطع با چاپ حدود ۷۰۰ مقاله و شیوع انواع اخبار نادرست پیرامون آئنده، «سی آی ای» در این زمینه فعال بود.

کمپنی مخابراتی معروف ITT، که از منابع مس شیلی بهره مند می شد، تنها در یک مرحله ۳۵۰۰۰۰۰۰ دالر به رقیب انتخاباتی آئنده کمک نمود. علیرغم این تمهیدات، آئنده در سوم نوامبر ۱۹۷۰ به ریاست جمهوری شیلی برگزیده شد. سازمان «سی آی ای» دوازده روز قبل از اعلام پیروزی آئنده، به طرح ریزی کودتایی بر علیه او دست زد. آنها قصد داشتند که آئنده را بریباند و به قتل برسانند. فرمانده ارتش، جنرال شناپدر (که معروف بدفاع از قانون اساسی بود) در مقابل این آدم ربایی مقاومت نمود که از سوی یکی از ماموران شیلیایی «سی آی ای» مورد هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. زمانیکه نقشه کودتا از پرده بیرون افتاد، نظرات سویی را بر علیه عملیات دولت آمریکا در شیلی بر انگیخت، تا جایی که کیسینچر وزیر امور خارجه وقت آمریکا دستور توقف عملیات کودتا بر علیه آئنده در آن مقطع را صادر نمود. داکتر آئنده در همان سال اول ریاست جمهوری خود، برنامه *La vía chilena al socialismo*، «راه شیلی بسوی سوسیالیسم» را اعلام نمود. این برنامه شامل ملی کردن صنایع بزرگ، باضافه معادن مس و بانک های این کشور بود که عمدتاً تحت نفوذ و مالکیت آمریکا قرار داشتند. دولت آئنده در امر «ملی کردن» تنها به صنایع، معادن و بانک ها اکتفا ننمود، بلکه سیستم خدمات بهداشت و سیستم آموزش کشور را نیز ملی اعلام نمود. حل مساله زمین و تملک دولتی بر زمین های بیش از هشت هکتار و واگذاری آنان به دهقانان در دستور قرار گرفت.

برنامه شیر مجانی برای شاگردان مکاتب، یکی دیگر از برنامه های فوری دولت بود. دولت همچنین تمامی قیمت ها را تثبیت نمود، و در این حال به افزایش دستمزدها پرداخت. در همان سال اول ریاست جمهور آئنده، رشد صنعتی نسبت به «تولید ناخالص ملی» ۸.۶ درصد افزایش پیدا نمود، نرخ تورم از ۳۴.۹ درصد به ۲۲.۱ درصد کاهش پیدا کرد و نرخ بیکاری کاهش یافته و به ۳.۸ درصد رسید. روابط با کوبا تقویت شد و فیدل کاسترو در یک دیدار طولانی و یکماهه از شیلی، تا جائیکه توانست تجربیات کوبا را در اختیار شیلی قرار داد، که همین خود باعث نگرانی بیشتر ابرقدرت شمالی از راه سوسیالیسم شیلی شد. مقامات کاخ سفید که از اعمال آئنده به وحشت افتاده بودند، شیلی را در محاصره اقتصادی قرار دادند و در عین حال در کنار فشارهای اقتصادی، بر فشارهای سیاسی و تبلیغاتی خود بر



ضد آئنده افزودند. «سی آی ای» از طرف شورای امنیت ملی آمریکا، ماموریت یافت تا بشکل محرمانه، مبلغ هفت میلیون دالر را در اختیار مطبوعات مخالف دولت، ژورنالیست ها و نیز برخی از NGO ها قرار دهد، تا در میان مردم و برعلیه آئنده تبلیغ نمایند. بازار عملیات سری و حملات تبلیغاتی و روانی «سی آی ای» در شیلی هر روز گسترده و گسترده تر می شد، تا جائیکه زمینه های يك اعتصاب سراسری فراهم گشته و برنامه ریزیهای لازم صورت گرفت. برای طراحان مشخص بود که در صورت موفقیت اعتصابات، می شد که زمینه کودتا را فراهم کرد. در تاریخ اکتبر ۱۹۷۲ اولین رگه های اعتصابات «طرحریزی شده» مشاهده شد. اولین اعتصابات بوسیله ترانسپورت داران صورت گرفت که بلافاصله برخی صاحبان مشاغل کوچک و بسیاری از اتحادیه های کارگری فعال و سرشناس و بعضی گروههای دانشجویی نیز به آن پیوستند.

اقتصاد شیلی به سیستم ترانزیتی و حمل و نقل وابسته است. از این رو يك اعتصاب منسجم در صنعت حمل و نقل می تواند هر دولتی را در شیلی سرنگون سازد. این اعتصابات صدمات جدی به اقتصاد در حال پیشروی شیلی، وارد ساخت. در همین حال سیل دالره های «سی آی ای» به شیلی سرازیر می شد، همان دالرهایی که به کارفرمایان شیلیایی داده می شد تا از اعتصاب رانندگان حمایت کنند. اینگونه بود که اعتصابات ترانزیتی و حمل و نقل سراسری آغاز شد. بعد از گذشت چند روز شیلی عملاً فلج شده بود و همه چیز برای آغاز يك کودتای نظامی موفقیت آمیز می رفت که آماده شود. در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ جت های جنگنده، کاخ ریاست جمهوری شیلی را بمباران کردند و کودتا چپان دست به قتل عام وسیع مردم و افسران وفادار به آئنده زدند. تخمین زده می شود که حدود ۳۰۰۰۰ نفر کشته و یا ناپدید گشته اند که تا این لحظه هنوز از سرنوشت ناپدیدشدگان اطلاعی در دست نیست. آئنده توانست در برابر کودتاچیان شش ساعت مقاومت کند اما در نهایت چون حاضر نشد خود را تسلیم آنان نماید، به دست آنها کشته شد (برخی می گویند براینکه بدست کودتاگران نیافتد خودکشی کرد). در همان لحظات آخر، آئنده از رادیو برای مردم شیلی نطقی به این مضمون انجام داد که در تاریخ بسیار معروف گشت. او به مردم گفت که عشق عمیق او به شیلی و اعتقادش به آینده کشورش باعث می شود که پیشنهاد کودتاچیان به او را که گفته بودند ترتیب خروجش از کشور را می دهند، نپذیرد و بماند و تا آخرین لحظه از کشورش دفاع نماید. مردم شیلی معتقدند که بمباران کاخ ریاست جمهوری که از دقت تکنیکی بالایی برخوردار بود بوسیله يك تیم آکروجت آمریکایی انجام شده است.

يك سال پس از کودتا يك روزنامه آمریکایی فاش کرد:

«از مبلغ ۸ میلیون دالری که در شیلی به عملیات سری «سی آی ای» اختصاص داده شده بود، بخش عمده ای از این پول در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ برای فراهم آوردن زمینه های اعتصاب در حمایت از اعتصابیون و کارگران ضد آئنده مورد استفاده قرار گرفت.» با مرگ آئنده و اجرای موفق کودتا، قدرت به پینوشه واگذار شد. پینوشه به قلع و قمع وسیع مخالفین پرداخت و دیکتاتوری او ۲۵ سال به طول انجامید.

شاید کمتر کسی بداند که سوداگری اسلحه و مواد مخدر اولین و دومین شاخه بزرگ اقتصاد جهان امروز را تشکیل می دهد: از سالیانه پنج تریلیون دالر حجم کل تجارت جهانی حداقل ۱۶ درصد آن (۸۰۰ میلیارد دالر) به اسلحه تعلق دارد و هشت درصد (۴۰۰ میلیارد دالر) به مواد مخدر. به عبارت دیگر، تقریباً روزی دو میلیارد دالر صرف اسلحه می شود و روزی یک میلیارد دالر صرف مواد مخدر. این در حالی است که اگر هر ساله فقط ۴۰ میلیارد دالر صرف مبارزه با بیسوادی و فقرزدایی شود، پس از ده سال جهل و فقر ریشه کن شده و تمامی مردم دنیا از سواد و بهداشت و تغذیه کافی برخوردار خواهند شد. این سرمایه های عظیم از کجا می آید و چه کسانی از گردش آن سود می برند؟ چرا این همه درباره سایر شاخه های اقتصاد سخن گفته می شود ولی درباره اصلی ترین شاخه های اقتصاد جهانی (اسلحه و مواد مخدر) و نقش آن در توسعه یافتگی و عقب ماندگی ملت ها سخنی در میان نیست؟ کمپنی های تسلیحاتی غرب بزرگ ترین تولیدکنندگان کالایی به نام اسلحه هستند و دولت های بزرگ غربی مشتریان اصلی ایشان. در رأس این گروه دولت ایالات متحده آمریکا جای دارد که سالیانه بیش از ۳۰۰ میلیارد دالر صرف امور نظامی خود می کند. گرانتیمنت ترین کالای جهان هواپیماهای نظامی و جنگنده های هوایی است. یک فروند بمب افکن ب. ۲ دو میلیارد دالر و یک فروند جنگنده ف. ۲۲ حدود ۲۰۰ میلیون دالر قیمت دارد. بمب افکن ب ۲ در جنگ یوگسلاوی با موفقیت آزمایش شد و در جنگ افغانستان نیز به کار گرفته شد. در اولین لحظات شروع جنگ افغانستان (۷ اکتبر ۲۰۰۱) پنتاگون با مباحثات اعلام کرد که این هواپیماها مستقیماً از خاک ایالات متحده پرواز می کنند و به مقر خود بازمی گردند. چه کالایی از این باارزش تر! و به این دلیل است که دولت آمریکا اعلام کرد که قصد دارد ۴۰ فروند دیگر از این بمب افکن ها را از کمپنی سازنده آن (نورتروپ گرومن) خریداری کند.

بخش مهمی از برنامه ها و اقدامات کمپنی های تسلیحاتی دنیای معاصر برای افزایش فروش کالاهای خود به این مشتریان اصلی است و به این دلیل هر ساله مبالغ هنگفتی برای تأثیرگذاری بر دولت ها سرمایه گذاری می شود. در سال های ۱۹۹۷-۱۹۹۸ چهار کمپنی درجه اول تسلیحاتی ایالات متحده ۳۴ میلیون دالر در انتخابات هزینه کردند و در انتخابات سال ۲۰۰۰ با صرف مبالغ بیشتر از جرج بوش و

حزب جمهوری خواه حمایت نمودند. ویلیام هارتنگ، پژوهشگر ارشد انستیتوت سیاست جهانی، می نویسد: «حمایت سازندگان اسلحه از جمهوری خواهان بی دلیل نیست. از سال ۱۹۹۵ که جمهوری خواهان در کنگره قدرت یافتند هر ساله ۵ تا ۱۰ میلیارد دلار بیش از آن چه که دولت کلینتون تقاضا می کرد بر بودجه پنتاگون افزودند.» علاوه بر دولت های بزرگ غربی، و در رأس ایشان ایالات متحده آمریکا، که مشتریان اصلی کمپنی های تسلیحاتی به شمار می روند، سایر کشورها نیز در بازار جهانی اسلحه جایگاه مهمی دارند. این اهمیت به دو دلیل است: اول، تنش و جنگ در مناطق استراتژیک جهان بر تقاضای دولت های بزرگ غربی برای خرید اسلحه تأثیر مستقیم می گذارد و گاه آن را به شدت افزایش می دهد. برای مثال، در ماجرای حمله صدام به کویت، دولت ایالات متحده آمریکا ۶۰ میلیارد دلار صرف لشکرکشی موسوم به جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱) کرد و در جریان جنگ بالکان، آمریکا روزانه بین ۴۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار خرج بمباران خاک یوگسلاوی نمود. این حوادث برای کمپنی های تسلیحاتی دنیای غرب بسیار سودآور بود.

دوم، فروش مستقیم اسلحه به کشورهای توسعه نیافته نیز بخش مهمی از تجارت جهانی اسلحه را شامل می شود. کمپنی های تسلیحاتی ایالات متحده آمریکا و بریتانیا اولین و دومین صادرکننده بزرگ اسلحه به کشورهای جهان سوم هستند. ایالات متحده آمریکا ۱/ ۴۹ درصد بازار اسلحه جهان سوم را در اختیار دارد.

در سال ۱۹۹۹ فروش اسلحه آمریکا به این کشورها ۹/ ۱۲ میلیارد دلار بود که در سال ۲۰۰۰ رشد چشمگیر کرد و به ۶/ ۱۸ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۰۰ بریتانیا دومین صادرکننده اسلحه به کشورهای جهان سوم بود. کمپنی های تسلیحاتی این کشور ۱۹ درصد بازار اسلحه این کشورها را در اختیار دارند. کمپنی های فرانسوی سومین صادرکننده اسلحه به کشورهای جهان سوم هستند و ۴/ ۱۲ درصد بازار فوق را در اختیار دارند: در طول سال های ۱۹۹۳-۲۰۰۰ کمپنی های تسلیحاتی ایالات متحده آمریکا (۴/ ۷۸ میلیارد دلار) اولین، بریتانیا (۲/ ۳۷ میلیارد دلار) دومین، فرانسه (۹/ ۲۱ میلیارد دلار) سومین، روسیه (۳/ ۱۷ میلیارد دلار) چهارمین فروشنده اسلحه به کشورهای در حال توسعه بودند. در دنیای توسعه نیافته، خاورمیانه بزرگ ترین بازار اسلحه است و تا مدتی پیش، به تأثیر از ماجرای حمله صدام به کویت، عربستان سعودی بزرگ ترین واردکننده اسلحه به شمار می رفت. عربستان در سال های ۱۹۹۳-۱۹۹۶، ۹/ ۳۱ میلیارد دلار، در سال ۱۹۹۸، ۸/ ۱۰ میلیارد دلار و در سال ۱۹۹۹، ۱/ ۶ میلیارد دلار اسلحه خرید. ولی در سال ۲۰۰۰ امارات متحده عربی به بزرگ ترین خریدار اسلحه بدل شد.

در این سال امارات ۷/۴ میلیارد دالر اسلحه خرید که ۶/۴ میلیارد دالر آن بابت خرید ۸۰ فروند جنگنده اف. ۱۶ از کمپنی لاکهید مارتین بود. امارات متحده عربی طی سال های ۱۹۹۷-۲۰۰۰ جمعاً ۱۴ میلیارد دالر اسلحه خریداری کرد. به این ترتیب، عربستان سعودی که زمانی بزرگ ترین خریدار اسلحه در میان کشورهای در حال توسعه به شمار می رفت جایگاه پیشین خود را از دست داد. منطقه خاور دور دومین بازار بزرگ اسلحه در جهان توسعه نیافته است و تایوان، با ۲/۶ میلیارد دالر در سال، بزرگ ترین واردکننده اسلحه در این منطقه به شمار می رود. سلاح های کوچک (مانند تفنگ) نیز بخش مهمی از تجارت جهانی اسلحه را در برمی گیرد. در این عرصه نیز کمپانی های تسلیحاتی ایالات متحده و بریتانیا پیشتاز هستند و اولین و دومین صادرکننده سلاح های کوچک به شمار می روند. طبق برآورد انستیتوت سیاست جهانی، در دهه پایانی سده بیستم چهار میلیون نفر قربانی سلاح های کوچک شده اند که ۸۰ درصد ایشان زن و کودک اند. یکی از اولین اقدامات دولت جرج بوش دوم، پس از به قدرت رسیدن، مخالفت با محدودیت فروش سلاح های کوچک از سوی سازمان ملل بود.

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)